

نقض قانون، عامل مرگ تدریجی مناطق آزاد ایران

به گزارش اخبار آزاد مناطق، به روزهای پایانی سال نزدیک می‌شویم، روزهایی که چشم و دل کسبه مناطق به این لحظات، خوش بود، اما متأسفانه تصمیماتی که در طول یکی دو سال گذشته برای این مناطق اتخاذ شد و در کمال ناباوری شاهد تمکین آن از سوی برخی افراد و مسئولین در حاشیه مناطق آزاد بودیم، این مناطق را به کسادترین و بی‌رونق‌ترین نقاط کشور بدل کرده است. صحبت در این خصوص فراوان است که بی‌شک طی گزارش‌های آتی به آن همچنان خواهیم پرداخت، اما در این شماره از نشریه با یکی از مطلع‌ترین و به جرات می‌توان گفت قدیمی‌ترین و آگاه‌ترین افراد در مناطق آزاد به گفت‌وگو نشستیم. دکتر فرزین حقدل که این روزها مسئولیت معاونت اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد چابهار را برعهده گرفته است، مصائب و مشکلات این روزهای مناطق آزاد را واکاوی کرده است که در ادامه می‌خوانید.

نقض آشکار قانون مناطق آزاد

طبق معمول همیشه حرف‌هایم را با یک چیز شروع می‌کنم، آن هم اینکه ما کتاب قانون مناطق آزاد مصوب مجلس داریم که به تایید شورای نگهبان رسیده، ابلاغ شده و در کشور نیز لازم‌الاجرا است، بدین معنی که همه ما که در منطقه آزاد هستیم و کسانی هم که خارج از منطقه هستیم باید به این قانون احترام بگذارند و رعایت کنند. از بالاترین مقام اجرایی مملکت که رئیس‌جمهور می‌باشد، حافظ قانون است و باید براساس آن چیزهایی که به او ابلاغ شده، قانون را رعایت کند، تا پایین‌ترین حد که یک کارمند جزء در هر کدام از ادارات است؛ ولی اتفاقاتی که در این مدت افتاده، این است که قانون مناطق آزاد به عناوین گوناگون با بخشنامه‌های داخلی ادارات مختلف نقض می‌شود. یعنی بزرگترین تصمیماتی را که یک زمانی آدم‌های بزرگ در کشور که در دولت بوده‌اند، بررسی کرده‌اند و آن را به صورت یک لایحه درآوردند و بعد این لایحه به مجلس رفته، نماینده‌های مردم روی آن کار کارشناسی کردند، با بقیه مناطق آزاد مهم دنیا مقایسه کردند و در نهایت رسیده به اینجا که این قانون مصوب شده و ابلاغ شده است، حالا متأسفانه حتی کوچکترین عضو یکی از دستگاه‌های اجرایی، در مناطق آزاد به خود اجازه می‌دهد که این قانون را مسخره و نقض کند. از آن طرف هم مناطق آزاد آن چهره‌ای که من از آنها می‌بینم، اکنون مثل یک بچه سرراهی مجموعه نظام اداری کشور شده‌اند، که هر جایی، هر مشکلی، هر مصیبتی، هر اتفاقی در کشور وجود دارد، باید یک پس‌گردنی به این بچه بزنند و بگویند تقصیر این بود نه کسی دیگر.

قاچاق از مبادی رسمی صورت می‌گیرد، نه از مناطق آزاد

در حال حاضر در کلیه مرزهای دریایی جنوب و شمال و مرزهای زمینی شرق و غرب کشور می‌بینید که قاچاق انجام می‌شود؛ کافی است یک مسیر مرزی را با ماشین طی کنید و ببینید چند بندرگاه وجود دارد که در آن جنس قاچاق به وفور می‌آید، همچنین اگر شما در تهران هر چیزی، ساخت هر کشوری و با هر برندی که بخواهید با یک فاصله نهایتاً یک روزه به دستتان می‌رسانند؛ بنابراین به خاطر اینکه معضل قاچاق در کشور را بخواهیم سر و سامان دهیم، صورت مسئله را پاک می‌کنیم و همه را به گردن این ۷ منطقه آزاد می‌اندازیم. طبق کتاب قانون مناطق آزاد مانند سایر مناطق آزاد معتبر دنیا، مناطق آزاد باراندازهای کالا هستند؛ جنس از هر جای دنیا به هر میزان می‌تواند بیاید و از آنجا به هر جای دیگر دنیا صادرات مجدد شود؛ غیر موارد خلاف شرع و امنیت، مواد مخدر، مشروبات الکلی و اسلحه که ممنوع است، سایر موارد هیچکدام در مناطق آزاد ممنوع نیست. حالا در ایران قاچاق پیش می‌آید، به جای اینکه آن مبادی رسمی قاچاق که الان دارد اتفاق می‌افتد، کنترل شود؛ می‌گویند تقصیر مناطق آزاد بود و باید جلوی مناطق آزاد را ببندید.

هنگامی که حجم زیادی پوشاک قاچاق وارد کشور می‌شود، مطلع کلام اتحادیه پوشاک مناطق آزاد است. از آن طرف در هر زمینه‌ای شما نگاه کنید بحث قاچاق و ورود غیرمجاز کالا را به مناطق آزاد مرتبط می‌کنند؛ در صورتی که همان آماری که به صورت رسمی یا غیررسمی از سوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا اعلام می‌شود، میزان کل قاچاق ورودی به کشور به نسبت کل کالاهای ورودی به مناطق آزاد هفت‌گانه یک درصد بسیار بسیار ناچیز است که هیچ نقشی در اقتصاد مملکت بازی نمی‌کند. ولی در شرایط مختلف تا بحث قاچاق می‌شود می‌گویند جلوی مناطق آزاد را ببندید. در جلسات مختلف می‌گویند مناطق آزاد موظف هستند جلوی قاچاق را بگیرند، در صورتی که مناطق آزاد در مرزهای جغرافیای سیاسی کشور هستند، ولی این مناطق طبق قانون مصوب مجلس خارج از مرزهای بازرگانی است. بنابراین رفتاری که نسبت به مناطق آزاد داریم مثل رفتاری است که با یک کشور خارجی در بخش بازرگانی باید داشته باشیم. وظیفه مبارزه با قاچاق با منطقه آزاد نیست، در محدوده منطقه آزاد هر چیزی می‌تواند وارد شود، خروجی به سمت سرزمین اصلی وظیفه نیروی انتظامی، گمرک جمهوری اسلامی و بقیه است، آنها باید جلوی قاچاق را بگیرند و درست هم است. اصلا در این خصوص مناطق آزاد شاکی هستند که چرا خروجی‌های این مناطق به سمت سرزمین اصلی به درستی چک نمی‌شود؛ زیرا کالاهایی که از منطقه بیرون می‌رود، ملزم است که برگه سبز گمرکی را بگیرد؛ یعنی یک بخش درآمدی مناطق آزاد همین فروش برگ سبز است. ولی برگ سبز گمرکی عملا در هیچ منطقه آزادی دیگر استفاده‌ای ندارد. چندین مدت است که هیچ کدام از این برگ سبزها فروش نمی‌رود و نتیجه‌اش شده اینکه بخشی از کالایی که در مناطق آزاد می‌آید، بیرون می‌رود و ما هم قبول داریم، ولی مگر وظیفه جلوگیری‌اش با ما است؟! مسئولیت کنترل در محدوده منطقه آزاد با ماست و ما هم حواسمان هست که چه کالاهایی می‌آید و چه کالایی می‌رود.

متأسفانه جلساتی را می‌گذارند در این جلسات مصوب می‌کنند که جلوی ورود کالا به مناطق آزاد را بگیریم که این کار خلاف قانون است. اعلام می‌کنند مصرف کالا در منطقه باید مشخص باشد، مثلا می‌گویند جمعیت منطقه آزاد شما چند هزار نفر است؟ این جمعیت چقدر پوشاک می‌خواهد؟ چقدر عطر و ادکلن می‌خواهد؟ چقدر لوازم خانگی کوچک می‌خواهد؟ اینها را حساب کنیم، این سهمیه مصرف در منطقه شما؛ یک میانگینی هم از تعداد مسافرینی که می‌آیند می‌گیرند و اعلام می‌کنند این هم سهمیه مسافری، بنابراین شما بیشتر از این نمی‌توانید کالا وارد منطقه کنید! در صورتی که اکنون قیمت انبارداری در امارات بالا رفته و وظیفه ما است که بازاریابی کنیم و به صاحبان کالا در کشورهای اطراف که مناطق آزادشان گران شده، بگوییم کالایتان را به منطقه آزاد ما بیاورید و دپو کنید.

ثبت سفارش، عامل حذف رونق تجارت در مناطق آزاد

مورد بعدی، می‌گویند برای کنترل ارز در کشور باید ثبت سفارش در مناطق آزاد انجام شود. یک بحران ارزی در کشور به وجود آمده که دلایل مختلفی داشته است؛ دانشمندان علم اقتصاد خیلی بهتر این را می‌دانند که مناطق آزاد باعث این بحران ارزی نبوده‌اند. چندین عامل دست به دست هم داده در چندین سال روی هم تلنبار شده، یک دفعه مانند فتری که به زور نگه داشته شده، از دست در رفته است. حال مقصر این بحران ارزی را منطقه آزاد می‌دانند و به خاطر این اتفاق به غلط می‌گویند که باید ثبت سفارش در این مناطق هم انجام شود. هر کسی می‌خواهد کالا بیاورد باید ثبت سفارش کند. مسئله‌ای که در این میان پیش می‌آید، این است که قانون ثبت سفارش چیست؟ ثبت سفارش برای واردکنندگان کالا است که این واردکنندگان از ارز دولتی استفاده می‌کنند؛ مناطق آزاد که از ابتدای تشکیلشان از ارز متقاضی استفاده می‌کردند، کسی ارز دولتی نمی‌گرفته است! پس دلیلی ندارد که ثبت سفارش صورت گیرد. اعلام کردیم که دلیلی ندارد در مناطق آزاد ثبت سفارش انجام شود، زیرا ما اصلا ارز دولتی نمی‌خواهیم. گفتند نه صرفا برای آماربرداری است که چک کنند ببینند چقدر ارز بابت واردات حتی از ارز شخصی مردم استفاده شده است. یکسری از مناطق آزاد زیر بار این موضوع رفتند، یکسری هم نرفتند؛ در نهایت رسیدیم به اینجا که می‌گویند نه آن کار صرفا برای آمارگیری نبوده، برای این بوده که شما هم ثبت سفارش کنید! همه اینها باید در سامانه خاص مشخص شود؛ سامانه خاص چیست؟ سامانه‌ای که به همه سیستم گمرکی و اقتصادی کشور وصل می‌شود و اتفاقی که می‌افتد این است که طبق قانون تصریح شده که مناطق آزاد صرفا براساس قانون مناطق آزاد اداره

می‌شود؛ این «صرفاً» محکمی که قانونگذار برای اداره مناطق آزاد گذاشته است که نقض شد!

در حال حاضر شروع به کار، بیزینس و ایجاد یک کار جدید در مناطق آزاد از بقیه نقاط کشور سخت‌تر است. خیلی نقاط در کشور هستند که به مراتب معافیت‌هایشان بیشتر از مناطق آزاد است. بروکرسی‌هایی که برای این مناطق به غلط درست شده، بسیار بیشتر از بقیه نقاط سرزمین اصلی است. اکنون سرمایه‌گذاران به دلیل مشکلات زیادی که بر این مناطق تحمیل شده، قید سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را می‌زنند.

بازارهای مناطق آزاد در حال تعطیل شدن هستند

مناطق آزاد از ابتدا معافیت بی‌قید شرط مالیاتی داشتند؛ اما اعلام کردند مناطق آزاد اظهارنامه مالیاتی سفید بدهند؛ زیرا دلیلی ندارد که بخواهیم از آنها مالیات بگیریم. بعضی از مناطق تمکین کردند و اظهارنامه سفید دادند؛ پس از آن یکسری بدهی مالیاتی برای بعضی از مودیان مالیاتی مناطق آزاد تشکیل شد. عجیب است! اگر قرار است مناطق آزاد را تعطیل کنیم، خیلی واضح و روشن بگوییم مناطق آزاد تعطیل است. یک زمانی تصمیم گرفتیم برای اینکه کریدور اقتصاد بین‌الملل باشند، برای اینکه در تحریم‌ها به ما کمک کنند و هزاران دلیل دیگر، مناطق آزاد را ایجاد کردیم. حال چه اتفاقی افتاده؟ تبدیل شده‌اند به مناطق آزادی که خودشان هم نمی‌توانند خودشان را بگردانند. یکسری سرمایه‌گذار بیچاره را با آن مزایایی که دیگر وجود ندارد گول زدیم، به مناطق آزاد کشانیدیم و حالا دارند بدبخت می‌شوند. بنده به عنوان یکی از مدیران مناطق آزاد واقعا باید جوابگوی این آقایان و خانم‌ها و این سرمایه‌گذاران باشم که همه زندگی‌شان را براساس یک قانونی که قرار بود یک کارهایی را انجام دهد، به اینجا منتقل کرده‌اند و حالا نه تنها هیچ کدام از بندهای آن قانون دیگر اجرایی نیست، بلکه خیلی سخت‌تر از داخل کشور است. می‌گویند جنگ اقتصادی است؛ بله ما هم قبول داریم؛ ما هم به عنوان افسران مبارزه با جنگ اقتصادی باید پیشقدم باشیم؛ ولی جنگ اقتصادی فقط برای ما است؟

اکنون بازارهای مناطق آزاد به دلیل اینکه جنس در مغازه‌ها نیست، در حال تعطیل شدن هستند؛ یک جعبه شکلات نستله در پالادیوم تهران ۶۵ هزار تومان است، اما در چابهار ۹۵ هزار تومان به فروش می‌رسد، این مصیبت است! یعنی گران‌ترین جای تهران از منطقه آزاد چابهار ارزان‌تر جنس را می‌فروشد؛ سوال این است که جنس از کجا برایشان می‌رسد؟ قطعا از یک جایی آمده که کالا به صورت قاچاق به وفور وجود دارد! نگاه کنید هیچ کدام از مغازه‌های چابهار دیگر جنس ندارند، همه دارند بیچاره می‌شوند. به تازگی بنده مسیر بندرعباس به سمت چابهار را زمینی آمدم، به یک جایی رسیدم به نام میشی. میشی یک ده است که دو طرف جاده آن ۵-۶ مجتمع تجاری وجود دارد و بیشتر از کل امارات، جنس آنجا بود. تقریباً از همه جای ایران آمده بودند میشی تا خرید کنند. به چند مغازه سر زدم و چک کردم؛ به مغازه لوازم خانگی رفتم و جنسی را خواستم که گفت در انبار داریم، گفتم برند امریکایی را می‌خواهم؛ (چون می‌دانم جنس امریکایی در کشور ممنوع است)؛ گفت مشکلی ندارد، زنگ می‌زنم از امارات بیاورند. گفتم کی؟ گفت فردا ظهر می‌رسد. قیمت را هم بسیار مناسب گفت. گفتم سخت است که تهران ببرم، می‌توانی بفرستی؟ گفت یک میلیون اضافه می‌گیرم و می‌فرستم. گفتم چه تضمینی است؟ گفت می‌فرستم تهران، در محل شما دریافت و تایید کردید پولش را برای من بفرستید!!!

کاملاً یک بیزینس راحت، ساده، خیلی خوب، همه هم راضی هستند. به بهای چه؟ به بهای اینکه ما ۷ منطقه آزاد را تعطیل کنیم. یعنی در مرز سیستان و بلوچستان و هرمزگان چنین اتفاقی در حال رخ دادن است. آیا ما چشم‌مان را روی آنها بسته‌ایم؟؟ متأسفانه ما منطقه آزادی‌ها هم در جلسات به خوبی از خودمان دفاع نمی‌کنیم، از قانونی که به ما ابلاغ شده صیانت نمی‌کنیم و از آن طرف هم سایرین یک فضایی برایشان درست شده که می‌گویند مناطق آزاد همه قاچاقچی و دزد هستند که واقعا مصیبت است. کاملاً جا افتاده که منطقه آزادی‌ها قاچاقچی هستند، ولی براساس کدام اصل؟ براساس کدام فکر؟ براساس کدام قانون در مناطق آزاد قاچاق می‌شود که بعد به وفور قاچاق باشد و ما چشم‌مان را ببندیم؟ شما در شهرهای بزرگ هر جا بروید هر جنسی بخواهید پیدا می‌کنید که مسلماً از مناطق آزاد نمی‌آید. قطعا این یک پروپاگاندای خبری بوده، اما نمی‌دانم به چه دلیل! هر زمانی که تلویزیون را روشن می‌کنیم، یک نفر به عنوان

به مناطق آزاد چه داده‌ایم که الان از آنها طلب داریم؟

مناطق آزاد یک فرصت بودند؛ مناطق آزاد با همین اندک مواردی که در اختیارشان گذاشته‌اید، با اختیاراتی که داشته‌اند، با منابعی که در اختیارشان بوده، با توجه به اینکه مناطق فوق محروم توسعه نیافته را به منطقه آزاد تبدیل کرده‌اند و زیرساخت و پول هم برایشان فراهم نبوده، بسیار روند خوبی داشته‌اند و تا بدین جا که رسیده‌اند، کارنامه قابل قبول و مثبت از خود ارائه کرده‌اند. در یک جای محروم بلافاصله بودجه‌های دولتی را حذف کردند، به مدیرعامل منطقه آزاد گفتند خودت پول دریاور، هزینه کن، زیرساخت ایجاد کن و سرمایه‌گذار جذب کن. در آن زمان مدیران منطقه آزاد تنها راهی که داشتند، واردات بود. مگر راه دیگری داشتند؟ از همین طریق زیرساخت ایجاد کردند، فرودگاه، بندر و جاده درست کردند و آب شیرین کن و سیستم‌های برق و... را راه‌اندازی کردند.

به مناطق آزاد چه داده‌ایم که الان از آنها طلب داریم؟ داده‌هایمان به مناطق آزاد را حساب کنیم و سپس قشم و کیش را با جبل‌علی مقایسه کنیم. این معضلی است که متأسفانه در مملکت داریم؛ توجه نمی‌کنیم همه در یک کشتی نشسته‌ایم، هر جا این کشتی سوراخ شود، همه با هم غرق می‌شویم. شما اگر منطقه آزاد را نابود می‌کنید، فکر نکنید بقیه کشور در امان هستند، چراکه همه به هم بستگی دارند. در مناطق آزاد مردم زندگی می‌کنند، سرمایه‌گذارانی اینجا هستند که باید جوابگو باشیم، بخشی از GDP کشور در این مناطق تحقق پیدا می‌کند و بسیاری موارد دیگر.

یک راه وجود دارد، اینکه تصمیم بگیریم و آن در مجلس مصوب شود؛ ۲۵ سال پیش که مناطق آزاد را تشکیل دادیم خوب بوده، الان بد هستند و بنابراین دیگر منطقه آزاد نمی‌خواهیم و این مناطق را تعطیل نماییم؛ وگرنه این منطقه آزاد که شبیه شیر بی‌یال و دم است، به درد نمی‌خورد.

ثبت سفارش را خلاف قانون مصوب مناطق آزاد، به مناطق تحمیل کردیم. الان خیلی از کالاها امکان ورود به منطقه آزاد را ندارند. سپس با منت گفتند ۸۴۹ قلم را برای مناطق آزاد، آزاد کردیم و می‌توانند جنس بیاورند. پیش از این همه چیز مناطق آزاد، آزاد بوده، لذا به مرگ گرفتند تا مناطق به تب راضی شوند؛ خوب است یکبار این لیست را عمومی برای همه بگذارید، اقلامی مانند جوی دوسر، جوی دوسر پاک کرده، جو دوسر شکسته، جو دوسر خرد شده و سایر. قسمت خنده‌دار این است که «سایر» هم که یکی از بندهای همان جو دوسر است، جزء اقلام حساب می‌شود. یا مثلاً زردچوبه، چوب زردچوبه، چوب زردچوبه دوبار شکسته، چوب زردچوبه یک بار شکسته، چوب زردچوبه با دسته، چوب زردچوبه بی‌دسته و سایر.

این اقلام به چه دردی می‌خورند؟ لطف کنید این منت ۸۴۹ قلم کالا را از سر ما کم کرده و همان ۱۰۰-۱۵۰ قلمی که موارد مصرفی مناطق آزاد هستند مانند لوازم آرایشی و بهداشتی، شکلات و بیسکویت و لوازم خانگی کوچک مانند اتو و... را اجازه دهید وارد شود. اکنون کالا در منطقه آزاد نمی‌آید، مغازه‌دارها و کاسب‌های مناطق در حال ورشکست شدن هستند، آن هم در شرایطی که خودشان می‌بینند یک جای دیگر در کشور به وفور جنس قاچاق می‌آید.

نمی‌توان یک نسخه واحد را برای همه مناطق آزاد تجویز کرد

یک کار ناصواب دیگری که در این مدت انجام می‌شود، اینکه یک نسخه را واحد برای همه مناطق آزاد می‌نویسند، مسلماً شرایط قشم با کیش فرق می‌کند، کیش با چابهار فرق می‌کند، چابهار با انزلی فرق می‌کند و... هر کدام شرایط خود را دارند؛ بنابراین تجویز یک نسخه برای ۷ منطقه آزاد اصلاً درست نیست؛ ولی این اتفاق در حال رخ دادن است و مستقل بودن مناطق آزاد را زیر سوال می‌برد. طبق

قانون مناطق آزاد، تصمیم‌گیر در هر منطقه، مدیرعامل آن منطقه است، اما دستگاه‌های نظارتی به خاطر این که کارشان راحت باشد، می‌گویند بهتر است که همه از یک کانال انجام شود. ممکن است این کانال خاصی که شما در نظر می‌گیرید برای یک منطقه آزاد خوب باشد، اما برای سایر مناطق مشکل ایجاد کند. یک موردی که داشتیم مثلاً دفترچه ارزش کالا در گمرکات مناطق آزاد بود که در هر منطقه برای براساس شرایط آن منطقه تعیین می‌شد، به عنوان مثال در یک منطقه اکنون وضعیت پوشاک خوب است، اینقدر دفترچه ارزش را در رده‌بندی‌های پوشاک بالا یا پایین می‌آوریم که رونق در منطقه ایجاد کنیم. فشار آوردند که باید به سامانه جامع گمرکی کشور وصل شود، هر کسی هم نشود، بر علیه او اعلام جرم می‌شود. مسلماً کارمند دولت می‌ترسد و می‌رود در قالب این سامانه اجرایی می‌کند. اتفاقی که می‌افتد چیست؟ چون باید به آنها لینک شوید، به یک تناقضی در ارزش کالایی که گمرکات کشوری اعلام کردند با ارزش کالایی که گمرکات مناطق آزاد هر کدام مستقل برای خود تعیین کردند، برمی‌خورید. حال اگر مدیر گمرک منطقه آزاد براساس ارزش‌های خود عمل کند، نهاد نظارتی اعلام تخلف می‌کند، اگر براساس ارزش‌های گمرک جمهوری اسلامی عمل کند، صاحب کالا دیگر جنس نمی‌آورد.

این که می‌گویم، دلیل بر این نیست که حتماً ارزش‌های کالایی مناطق آزاد کمتر از گمرک جمهوری اسلامی است، بلکه بنا به زمان و مکان و به نوع جنس، بالا و پایین می‌شود؛ حتی ارزش برخی کالاهای مناطق آزاد از گمرک جمهوری اسلامی هم بیشتر است؛ مثلاً به دلایلی اکنون ارزش لاستیک در چابهار از گمرک جمهوری اسلامی بالاتر است و در نتیجه ما می‌توانیم روی آن حوزه اقتصادی برنامه‌ریزی درستی داشته باشیم. حالا اگر به سامانه جامع گمرکی وصل شویم که باید بشویم، مسلماً بعد از آن صاحب کالا برایش صرف نخواهد کرد که از اینجا کالا بیاورد، یا می‌رود به سمت گمرک یا مسیر قاچاق را انتخاب می‌کند. حتماً در ادامه می‌گویند باید به سامانه جامع انبارهای کشوری هم وصل شوید و از آن طرف دوباره هر روز یکی از کالاهایی که در گمرکات مناطق آزاد است یا ستاد اجرایی می‌آید می‌برد یا ستاد قاچاق اسم قاچاق روش می‌گذارد و...، این مشکلاتی است که بازرگانان این مناطق و مدیران مناطق آزاد با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند.

با توجه به این مشکلات، واقعا یک مدت دیگر شاید هیچ کدام از مناطق آزاد در دسترس نباشد که کسی بیاید سرمایه‌گذاری کند یا کاری انجام دهد. نهایتاً مناطق آزاد صرفاً به عنوان یک جنبه گردشگری مورد استفاده قرار بگیرند و همین طور که الان من در حداقل سه منطقه آزاد اولیه می‌بینم، قشم و کیش و چابهار آنقدر که توریست و طبیعت‌گرد می‌آید، کسی برای خرید، تجارت و بازار نمی‌آید.

اجازه دهید قانون مناطق آزاد تمام و کمال اجرایی شود

بنده همیشه می‌گویم یک قانون بد هم بهترین راهکار است، یعنی اگر حتی اعتقاد داریم که یک قانونی نقص دارد، ولی عمل همه به آن قانون باعث خواهد شد که سیستم نظم درستی بگیرد. مناطق آزاد یک کتاب قانون بسیار متری دارند، بهتر این است که این کتاب کامل اجرایی شود، نظارت‌هایمان را هم روی خروجی مناطق آزاد بیشتر کنیم که هیچ چیزی قاچاق بیرون نیاید، ولی واقعا قانون مناطق آزاد را اجرایی نماییم. اتفاقی که اکنون افتاده این است که مناطق آزاد همیشه انگشت اتهام به طرفشان است، بزرگترین و مهم‌ترین تصمیمات و قوانین مناطق آزاد توسط کوچکترین و پایین‌ترین کارمند یک دستگاه دیگر نقض شود، یعنی به خود اجازه می‌دهند که این قانون را نقض کنند و در نهایت همه می‌گویند مناطق آزاد به وظایفشان عمل نکرده‌اند و به اهدافشان نرسیده‌اند. اجازه دهید این قانون تمام و کمال اجرایی شود، نظارت‌ها هم قوی شود، آن موقع می‌توانیم امیدوار باشیم که در یک بازه یکی دو ساله تفاوت را ببینیم که مناطق آزاد چه میزان رونق سرمایه‌گذاری و اقتصادی خواهند داشت و از آن طرف هم سیل سرمایه‌گذاران به آنجا مراجعه کند و بعد در شرایط سخت هم همین مناطق می‌توانند برای نقل و انتقالات مالی و بقیه موارد که در فشار تحریم هستیم، کمک نمایند؛ ولی با این شرایطی که برای مناطق آزاد به وجود آمده، حتی دیگر نمی‌توانند خود را بگردانند، چه برسد به اینکه گذرگاهی برای اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی باشند.

